

مقاله‌ی پژوهشی

نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی

خلاصه

*محمدعلی بشارت

استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه تهران

پوش گنجی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی،

دانشگاه تهران

مقدمه: با توجه به اهمیت شناخت متغیرهای تعیین‌کننده و تاثیرگذار بر رضایت زناشویی، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی انجام گرفت.

روش کار: در این پژوهش اکتشافی از نوع همبستگی، افراد متأهل شاغل در دو بیمارستان‌های روان‌پزشکی رازی و سینا در شهر تهران به صورت داوطلب در یک دوره‌ی زمانی چهار ماهه در سال ۱۳۹۰ در این پژوهش شرکت کردند. از شرکت‌کنندگان (۱۹۵ زن، ۱۰۳ مرد) خواسته شد که مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)، مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20) و پرسش‌نامه‌ی وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS) را تکمیل کنند. داده‌ها با استفاده از روش‌ها و شاخص‌های آماری شامل فراوانی، میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره‌ی تعدیلی تحلیل گردیدند.

یافته‌ها: ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی همبستگی منفی معنی‌دار دارد ($P < 0/001$)، سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی، همبستگی مثبت معنی‌دار ($P < 0/01$) و سبک‌های دلبستگی ناایمن با رضایت زناشویی، همبستگی منفی معنی‌دار دارد ($P < 0/001$). نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون نشان داد که تنها سبک دلبستگی ایمن، توان تعدیل رابطه‌ی ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را دارد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی یک رابطه‌ی خطی ساده نیست و سبک‌های دلبستگی می‌توانند این رابطه را تعدیل نمایند.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، رضایت زناشویی، ناگویی هیجانی

*مؤلف مسئول:

ایران، تهران، پل گیشا، دانشکده‌ی روان‌شناسی و

علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی، صندوق پستی

۱۴۱۵۵-۶۴۵۶

besharat@ut.ac.ir

تلفن: ۰۲۱۶۱۱۷۴۸۸

تاریخ وصول: ۹۰/۱۱/۱۱

تاریخ تایید: ۹۱/۵/۷

پی‌نوشت:

این مطالعه پس از تایید شورای پژوهشی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده و با منافع نویسندگان ارتباطی نداشته است. از همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه تهران و نمونه‌های تحقیق و دانشجویان پرسشگر که مسئولیت اجرای پژوهش را به عهده داشتند قدردانی می‌گردد.

Original Article

The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction

Abstract

Introduction: Considering the importance of recognizing the determinant and effective variables on marital satisfaction, this investigation was aimed to investigate the moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction.

Materials and Methods: This is an exploratory and correlational study. Married staff of the Razi and Sina Psychiatric Hospitals in Tehran participated in this study in a four month period in year 2011, voluntarily. Research participants (195 females and 103 males) were asked to complete Adult Attachment Inventory (AAI), Toronto Alexithymia Scale (TAS-20), and Glombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS). Analysis of the data involved both descriptive and inferential statistics including means, standard deviations, Pearson's correlation coefficient, and multivariate regression analyses.

Results: The results showed that: alexithymia had a significant negative correlation with marital satisfaction ($P<0.001$); secure attachment had a significant positive correlation with marital satisfaction ($P<0.01$) and insecure attachment styles had significant negative correlations with marital satisfaction ($P<0.001$); regression analysis indicated that only secure attachment style had a moderating role on the relationship of alexithymia and marital satisfaction.

Conclusion: Based on the results of the present study, it can be concluded that the relationship between alexithymia and marital satisfaction is not a simple linear association it is influenced and moderated by attachment styles.

Keywords: Alexithymia, Attachment, Marital satisfaction

**Mohammad Ali Besharat*
Professor of clinical
psychology, University of
Tehran

Poyesh Ganji
Student of M.Sc. in clinical
psychology, University of
Tehran

***Corresponding Author:**
P.O. Box: 14155-6456,
Department of psychology,
Faculty of psychology and
educational sciences, University
of Tehran, Gisha Bridge,
Tehran, Iran
besharat@ut.ac.ir
Tel: +982161117488
Received: Jan. 31, 2012
Accepted: July. 28, 2012

Acknowledgement:

This study was approved and financially supported by research committee of faculty of psychology and educational sciences of Tehran University. The authors had no conflict of interest with the results.

Vancouver referencing:

Besharat MA, Ganji P. The moderating role of attachment styles on the relationship of alexithymia with marital satisfaction. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2013; 14(4): 324-35.

مقدمه

رضایت زناشویی^۱، ارزیابی کلی ذهنی فرد از رابطه‌ی زناشویی و میزان برآورده شدن نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای شخصی و زوجی در این رابطه است (۱).

تحقیقات نشان می‌دهند که متغیرهای متعدد مانند عشق، تعهد، ارتباط، اعتماد متقابل، احترام، حمایت، وفاداری، علائق مشترک، درک متقابل، صمیمیت، نگران یکدیگر بودن و توجه کردن، تبادل متقابل احساسات و افکار و تجربیات با رضایت زناشویی رابطه دارند (۲).

ارتباط موثر^۲ نقش برجسته‌ای در رضایت زناشویی دارد (۳-۶) و می‌تواند نقش مهمی در ایجاد احساس امنیت برای زوجین داشته باشد (۷). بیان عواطف^۳، عاملی اساسی در تمایز زوج‌های راضی از ناراضی است، چون نقش مهمی در رشد صمیمیت رابطه دارد (۸-۱۱). ابراز متقابل عواطف در زوجین احساس حمایت شدن را ایجاد نموده و خودآشکارسازی^۴ بیشتر در رابطه را در پی دارد (۱۲).

لیپرت و پراگر^۵ نشان دادند که رفتار خودآشکارسازانه‌ی زوجین با رضایت زناشویی، رابطه‌ی مثبت دارد (۱۳).

کوردوا، گی و وارن^۶ نیز به این نتیجه رسیدند که مهارت‌های عاطفی^۷ و توانایی ابراز هیجان‌ها با رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد (۱۴). همدلی^۸، به این علت که به زوجین کمک می‌کند تا یکدیگر را بهتر درک کنند و بفهمند، بر رضایت زناشویی موثر است (۱۵-۱۷).

هم‌چنین رشد صمیمیت^۹، عنصری تعیین‌کننده در موفقیت یک ازدواج است (۱۸). با توجه به اثری که متغیرهایی مانند صمیمیت، بیان عواطف، تبادلات عاطفی و همدلی بر رضایت زناشویی دارند مشکلات و اختلالاتی که بر این متغیرها و مسایل، اثر منفی بگذارند، می‌توانند مانع از کسب رضایت زناشویی شوند.

ناگویی هیجانی^{۱۰} یکی از این مشکلات محسوب می‌شود. ناتوانی در پردازش شناختی^{۱۱} اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها، ناگویی هیجانی نامیده می‌شود (۱۹). ناگویی هیجانی سازه‌ای است چندوجهی، متشکل از دشواری در شناسایی احساسات^{۱۲}، دشواری در توصیف احساسات برای دیگران، دشواری در تمایز بین احساسات و تهییج‌های بدنی^{۱۳} مربوط به برانگیختگی هیجانی، قدرت تجسم محدود که بر حسب فقر خیال‌پردازی‌ها مشخص می‌شود و سبک شناختی عینی (غیر تجسمی)، عمل‌گرا و واقعیت‌مدار یا تفکر عینی (۱۹). افراد مبتلا به ناگویی هیجانی، تهییج‌های بدنی بهنجار را بزرگ می‌کنند، نشانه‌های بدنی انگیزندگی هیجانی را بد تفسیر می‌کنند، درماندگی هیجانی را از طریق شکایت‌های بدنی نشان می‌دهند و در اقدامات درمانی نیز به دنبال درمان نشانه‌های جسمانی هستند (۱۹). همراه با این ویژگی‌های اساسی، ویژگی‌های متعدد دیگری مانند دشواری در پردازش اطلاعات هیجانی (۲۰)، دشواری در فهم بیان چهره‌ای (۲۱) و ظرفیت کمتر برای همدلی (۲۲) نیز در مبتلایان به ناگویی هیجانی مشاهده شده است. به دلیل بی‌تفاوتی و بی‌علاقگی نسبت به دیگران در این افراد، مشکلات بین شخصی متعدد در آن‌ها مشاهده شده است (۱۹، ۲۳). این افراد در بیان نیازهای‌شان به دیگران مشکل دارند و توانایی مقابله با چالش‌های بین شخصی در موقعیت‌های اجتماعی را ندارند (۱۹، ۲۴). این پژوهش‌ها یافته‌های وینرایب^{۱۴} و همکاران مبنی بر رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و گریز از صمیمیت را تایید می‌کنند (۲۵). دریک و ون‌هیول^{۱۵} پیشنهاد کردند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی، نیازی قوی به استقلال دارند که از تردید و عدم اعتمادشان به دیگران ریشه می‌گیرد (۲۶). از سوی دیگر، بهزیستی جسمی و ذهنی افراد به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تاثیر روابط صمیمی و نزدیک آن‌ها قرار دارد. توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه‌ی عاشقانه‌ی رضایت‌بخش نیازمند توانایی تشخیص عواطف و

¹Marital Satisfaction²Effective Communication³Expression of Affection⁴Self-Disclosure⁵Lippert and Prager⁶Cordova, Gee and Warren⁷Emotional Skillfulness⁸Empathy⁹Intimacy¹⁰Alexithymia¹¹Cognitive Processing¹²Difficulty Identifying Feelings¹³Bodily Sensations¹⁴Weinryb¹⁵DeRick and Vanheule

صورت شادی‌آور، قابل اعتماد، حمایت‌کننده و دلپذیر توصیف می‌کنند. در مقابل، اجتناب‌گرها تجربه‌ی عشق‌شان را با ترس از صمیمیت توصیف می‌کنند. دوسوگرها این تجربه را به صورت وسواسی، همراه با حسادت و جذابیت جنسی افراطی توصیف می‌کنند. سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی هم رابطه دارد (۳۹-۳۶). این محققان، همبستگی‌های مثبت بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی و رابطه‌ی منفی بین سبک نایمن و رضایت زناشویی را نشان دادند.

پژوهش‌ها در زمینه‌ی دلبستگی نشان می‌دهند که سبک دلبستگی نایمن به درجات بالایی با ناگویی هیجانی رابطه دارد (۴۴-۴۰).

بشارت نشان داد که احساسات ناامنی در روابط دلبستگی، نقص و نارسایی در شناسایی و ابراز هیجان‌ها را پیش‌بینی می‌کند (۴۰). مونته‌باروچی^۷ و همکاران نشان دادند که ناگویی هیجانی با دشواری در رابطه برقرار کردن و نزدیک شدن به دیگران و نیاز به تایید دیگران، رابطه‌ی مثبت دارد و با اعتماد به دیگران، رابطه‌ی منفی دارد (ویژگی‌هایی که در افراد نایمن وجود دارد) (۴۴).

با توجه به نقشی که روابط نزدیک و صمیمی در بهزیستی، سلامت روانی و کمک به خودشکوفایی افراد دارد، شناسایی عوامل تاثیرگذار بر این روابط از اهمیت ویژه برخوردار است. صمیمیت و تبادلات عاطفی از عناصر مهم در رضایت زناشویی هستند که در افراد با ناگویی هیجانی دچار نقص شده‌اند.

هم‌چنین در این پژوهش، نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی بررسی می‌شود که به شناخت کامل‌تر و بهتر روابط این متغیرها کمک می‌کند.

بر این اساس، هدف‌های پژوهش به این شرح دنبال می‌شوند:

- ۱- تعیین رابطه ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی، ۲- تعیین رابطه‌ی سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی، ۳- تعیین رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی نایمن با رضایت زناشویی، ۴- تعیین نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی.

هیجان‌ها و توانایی ابراز آن‌ها (۲۹-۲۷) و توانایی فهمیدن و درک کردن احساسات دیگران است (۳۰). صمیمیت (احساس نزدیکی و به اشتراک گذاشتن عواطف و تجربیات با دیگری) (۳۱) و رفتارهای نگهدارنده‌ی رابطه با احساس رضایت در رابطه‌ی زناشویی همبستگی دارند (۳۲). ویژگی‌های مهم لازم برای ایجاد و حفظ روابط صمیمی و نزدیک در افرادی که نمرات بالایی در ناگویی هیجانی دریافت می‌کنند، کمتر از حد لازم است و رابطه‌ی متوسط منفی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی تایید شده است (۳۳).

با استناد به یافته‌های پژوهشی که ذکر گردیدند، می‌توان پیش‌بینی کرد که ناگویی هیجانی در پژوهش حاضر نیز رابطه‌ی منفی با رضایت زناشویی داشته باشد. اما مسئله‌ی اصلی در پژوهش حاضر، یافتن پاسخ تجربی برای این پرسش است که آیا رابطه‌ی ناگویی هیجانی با رضایت/نارضایتی زناشویی یک رابطه‌ی ساده است یا متغیرهای روان‌شناختی دیگر بر این رابطه، تاثیر می‌گذارند؟ بر این اساس و در چهارچوب پژوهش حاضر، نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی با رضایت/نارضایتی زناشویی بررسی خواهد شد.

سبک دلبستگی^۱ تجسم درونی فرد است از رابطه‌ی دلبستگی که در کودکی با مراقبان خود داشته است. سبک دلبستگی فرد در کودکی، الگوی تعامل وی را در بزرگسالی با افراد مهم زندگی‌اش تعیین می‌کند. بین سبک دلبستگی مادر-نوزاد و مدل رابطه‌ی عاشقانه‌ی فرد در بزرگسالی رابطه وجود دارد (۳۴). هازن و شیور^۲ (۳۴) با استفاده از سبک‌های دلبستگی تدوین شده توسط اینسورث^۳ و همکاران (۳۵) سه سبک دلبستگی بزرگسالی را مطرح کردند: ایمن^۴، اجتنابی^۵، دوسوگرا^۶. هازن و شیور اظهار داشتند که سبک‌های دلبستگی تمایزهای بنیادی افراد در تجسم ذهنی عشق رمانتیک را بازنمایی می‌کند. دلبسته‌های ایمن، تجربه‌های عشق‌شان را به

¹ Attachment Style

² Hazan and Shaver

³ Ainsworth

⁴ Secure

⁵ Avoidant

⁶ Ambivalent

روش کار

قرار گرفتند. ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار سنجش در این پژوهش به شرح زیر است:

الف- مقیاس دل‌بستگی بزرگسال (AAI): مقیاس دل‌بستگی بزرگسال که با استفاده از مواد آزمون دل‌بستگی هازن و شیور (۳۴) ساخته و در مورد نمونه‌هایی از جامعه‌ی ایرانی هنجاریابی شده است (۴۵)، یک آزمون ۱۵ سئوالی است و سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، خیلی زیاد=۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره‌ی آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه‌ی دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی^۴ خوب مقیاس دل‌بستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه‌ی ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله‌ی چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی^۵ محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه‌ی پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است. روایی محتوایی^۶ مقیاس دل‌بستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان^۷ مقیاس دل‌بستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های مشکلات بین شخصی و حرمت خود کوپر اسمیت در مورد یک نمونه‌ی ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان

این پژوهش، یک مطالعه‌ی اکتشافی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری مورد بررسی در این پژوهش، افراد متأهل شاغل در بیمارستان‌های روان‌پزشکی شهر تهران بودند. افراد متأهل شاغل در دو بیمارستان روان‌پزشکی رازی و سینای تهران در یک دوره‌ی زمانی ۴ ماهه در سال ۱۳۹۰ در این پژوهش شرکت کردند. از این جمعیت، تعداد ۲۹۸ نفر (۱۰۳ مرد، ۱۹۵ زن) به صورت داوطلب شرکت کردند. پس از تشریح اهداف پژوهش و آماده شدن داوطلبان برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها، مقیاس دل‌بستگی بزرگسال^۱ (AAI)؛ مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو^۲ (TAS-20) و پرسش‌نامه‌ی وضعیت زناشویی گلوبوک-راست^۳ (GRIMS) در اختیار ایشان قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به صورت انفرادی پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند و مدت زمان لازم برای پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها حدود ۴۰ دقیقه بود. ملاک‌های ورود شرکت‌کنندگان در این پژوهش شامل نداشتن سابقه‌ی بیماری‌های جدی پزشکی و روان‌پزشکی مستلزم مصرف دارو و نداشتن سابقه‌ی طلاق بود. تعداد ۱۲ شرکت‌کننده (کمتر از ۴٪) به پرسش‌ها به صورت ناقص پاسخ داده بودند به همین دلیل از تحلیل‌های آماری حذف شدند. برای رعایت نکات اخلاقی پژوهش، ابتدا طرح پژوهش از جهات علمی و اخلاقی در گروه روان‌شناسی دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران تایید و تصویب شد. در مرحله‌ی بعد، فرم رضایت‌نامه‌ی تایید شده به شرکت‌کنندگان داده شد تا در صورت رضایت برای شرکت در پژوهش آن را پر کنند. در این فرم تصریح شده بود که شرکت‌کنندگان این حق و اختیار را دارند که در هر مرحله از پژوهش بر اساس میل و اختیار کامل به همکاری خود با پژوهشگر خاتمه دهند. در نهایت داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌ها و شاخص‌های آماری شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تعدیلی مورد بررسی

⁴Internal Consistency⁵Test-Retest Reliability⁶Content Validity⁷Concurrent Validity¹Adult Attachment Inventory²Toronto Alexithymia Scale-20³The Golombok Rust Inventory of Marital State Questionnaire

هوش هیجانی^۵، بهزیستی روان‌شناختی^۶ و درماندگی روان‌شناختی^۷ بررسی و مورد تایید قرار گرفت. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره‌ی آزمودنی‌ها در مقیاس ناگویی هیجانی کل با هوش هیجانی ($P < 0/001$)، ($r = -0/70$)، با بهزیستی روان‌شناختی ($P < 0/001$)، ($r = -0/68$) و با درماندگی روان‌شناختی ($P < 0/001$)، ($r = 0/44$) همبستگی معنی‌دار وجود دارد. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌های ناگویی هیجانی و متغیرهای فوق نیز معنی‌دار بودند. نتایج تحلیل عاملی تاییدی^۸ نیز وجود سه عامل را در نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ تایید کردند (۵۲). ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی برای نمونه‌ی پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۸۴ محاسبه شد.

ج- پرسش‌نامه‌ی وضعیت زناشویی گلوبوک-راست (GRIMS): پرسش‌نامه‌ی وضعیت زناشویی گلوبوک-راست یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در اندازه‌های چهار درجه‌ای لیکرت، مشکلات موجود در روابط زوجین را از صفر تا نمره‌ی سه در زمینه‌ی میزان حساسیت^۹ و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد^{۱۰}، وفاداری^{۱۱}، مشارکت^{۱۲}، همدردی^{۱۳}، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت^{۱۴} و همدلی زوجین می‌سنجد. حداقل نمره‌ی آزمودنی در این مقیاس، صفر و حداکثر نمره ۸۴ خواهد بود. نمره‌ی تراز شده‌ی آزمودنی‌ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود (۵۳). در فرم فارسی این پرسش‌نامه نمره‌ی کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ی از زن-ها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی بالای پرسش‌نامه است (۵۴). ضرایب همبستگی بین نمره‌های

داد که بین نمره‌ی آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنی‌دار (از $r = 0/26$ تا $r = 0/45$) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود، همبستگی منفی اما غیرمعنی‌دار به دست آمد.

این نتایج، نشان دهنده‌ی روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه‌ی^۱ مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد (۴۵). ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای نمونه‌ی پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۰ و ۰/۷۸ محاسبه شد.

ب- مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (TAS-20): مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (۴۶) یک آزمون ۲۰ سوالی است و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات^۲، دشواری در توصیف احساسات^۳ و تفکر عینی^۴ را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره‌ی ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره‌ی ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد.

یک نمره‌ی کل نیز از جمع نمره‌های سه زیرمقیاس برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می‌شود. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ در پژوهش‌های متعدد بررسی و تایید شده است (۴۷-۵۱). در نسخه‌ی فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰، ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیرمقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس است.

پایایی بازآزمایی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ در یک نمونه‌ی ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله‌ی چهار هفته از $r = 0/70$ تا $r = 0/77$ برای ناگویی هیجانی کل و زیرمقیاس‌های مختلف تایید شد. روایی همزمان مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ بر حسب همبستگی بین زیرمقیاس‌های این آزمون و مقیاس‌های

⁵Emotional Intelligence

⁶Psychological Well-Being

⁷Psychological Distress

⁸Exploratory Factor Analysis

⁹Sensitivity

¹⁰Commitment

¹¹Loyalty

¹²Cooperation

¹³Empathy

¹⁴Intimacy

¹Construct Validity

²Difficulty Identifying Feelings

³Difficulty Describing Feelings

⁴Externally Oriented Thinking

آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله‌ی دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $I=0/94$ ، آزمودنی‌های زن $I=0/93$ و آزمودنی‌های مرد $I=0/95$ نشانه‌ی پایایی بازآزمایی خوب پرسش‌نامه است. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه برای نمونه‌ی پژوهش حاضر به ترتیب $0/91$ برای زن‌ها و $0/89$ برای شوهرها محاسبه شد.

نتایج

در این پژوهش میانگین سن شرکت‌کنندگان ۳۷ سال، انحراف معیار سن آن‌ها $9/95$ سال در دامنه‌ای از ۲۳ تا ۷۰ سال بود. میانگین طول مدت ازدواج $12/7$ سال و انحراف معیار آن $10/38$ سال بود. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به سبک‌های دلبستگی، ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را در دو گروه مردان و زنان نشان می‌دهد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت‌کنندگان در

مورد سبک‌های دلبستگی، ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی

متغیر	زن		مرد		کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دلبستگی ایمن	۱۴/۸۳	۲/۷۵	۱۴/۶۶	۳/۰۹	۱۴/۷۶	۲/۸۶
دلبستگی اجتنابی	۱۱/۵۶	۳/۳۰	۱۲/۲۱	۳/۱۲	۱۱/۷۹	۳/۲۴
دلبستگی دوسوگرا	۱۱/۵۰	۳/۶۰	۱۲/۰۳	۳/۴۶	۱۱/۷۰	۳/۵۴
ناگویی هیجانی	۴۹/۴۹	۱۱/۲۵	۴۸/۴۸	۹/۴۲	۴۸/۹۲	۱۰/۶۲
رضایت زناشویی	۵۴/۲۲	۱۱/۸۰	۵۵/۴۵	۱۲/۵۱	۵۴/۶۰	۱۲/۰۱

ماتریس همبستگی‌های پیروسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس متغیرهای جدول ۲، ناگویی هیجانی، سبک دلبستگی دوسوگرا، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی ایمن به ترتیب بیشترین تا کمترین ضریب همبستگی را با رضایت زناشویی دارند. تمامی ضرایب همبستگی، معنی‌دار هستند.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین سبک‌های دلبستگی، ناگویی

متغیرها	هیجانی و رضایت زناشویی			
	۴	۳	۲	۱
سبک دلبستگی ایمن				۱
سبک دلبستگی اجتنابی			۱	-۰/۵۱
سبک دلبستگی دوسوگرا		۱	۰/۳۳	-۰/۲۲
ناگویی هیجانی	۱	۰/۳۶	۰/۲۲	-۰/۲۴
رضایت زناشویی	-۰/۳۵	-۰/۳۲	-۰/۲۸	۰/۱۴

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیلی‌کننده سبک دلبستگی ایمن در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت

زناشویی در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون در مدل ۱ نشان می‌دهد که رابطه‌ی متغیرهای ناگویی هیجانی و دلبستگی ایمن $0/37$ بوده که $0/13$ درصد از واریانس نمرات رضایت زناشویی را به طور معنی‌دار تبیین می‌کند. مدل ۲ میزان رابطه‌ی بین متغیرهای پیش‌بین ناگویی هیجانی و سبک دلبستگی ایمن را پس از ورود اثر تعدیلی‌کننده‌ی دلبستگی ایمن نشان می‌دهد. با مقایسه‌ی مدل ۱ و ۲، ملاحظه می‌گردد که دلبستگی ایمن سبب افزایش R^2 نشده است و در نتیجه، معنی‌دار نیست ($\Delta R^2=0/00$ ، $\Delta F=0/07$ و $P=0/79$). مدل ۲ نشان می‌دهد که هیچ درصدی از واریانس مشاهده شده در نمرات رضایت زناشویی توسط تعدیلی‌کننده‌ی دلبستگی ایمن تبیین نمی‌شود.

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش

تعدیلی‌کننده‌ی سبک دلبستگی ایمن در رابطه‌ی بین ناگویی

هیجانی و رضایت زناشویی

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR^2	ΔF	P
۱	۰/۳۷۳	۰/۱۴	۰/۱۳۳	۰/۱۳۹	۲۳/۸۰	۰/۰۰۱
۲	۰/۳۷۴	۰/۱۴	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰	۰/۰۷۱	۰/۷۹

مدل ۱- متغیرهای پیش‌بین: ناگویی هیجانی و دلبستگی ایمن

مدل ۲- متغیرهای پیش‌بین: ناگویی هیجانی، دلبستگی ایمن و اثر تعدیلی‌کننده‌ی دلبستگی ایمن

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیلی‌کننده‌ی سبک دلبستگی اجتنابی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون در مدل ۱ نشان می‌دهد که رابطه‌ی متغیرهای ناگویی هیجانی و دلبستگی اجتنابی $0/41$ بوده که $0/16$ درصد از واریانس نمرات رضایت زناشویی را به طور معنی‌دار تبیین می‌کند. مدل ۲ میزان رابطه‌ی بین متغیرهای پیش‌بین ناگویی هیجانی و سبک دلبستگی ایمن را پس از ورود اثر تعدیلی‌کننده‌ی دلبستگی ایمن نشان می‌دهد. با مقایسه‌ی مدل ۱ و ۲، ملاحظه می‌گردد که دلبستگی ایمن سبب افزایش R^2 به میزان $0/01$ شده که این میزان، معنی‌دار است ($\Delta R^2=0/01$ ، $\Delta F=4/24$ و $P=0/04$). مدل ۲ نشان می‌دهد که 1 درصد از واریانس مشاهده شده در نمرات رضایت زناشویی توسط اثر تعدیلی‌کننده‌ی دلبستگی اجتنابی تبیین می‌شود. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون در جدول ۵ ارائه شده است. این ضرایب نشان می‌دهند که اثر تعدیلی‌کننده‌ی دلبستگی اجتنابی ($\beta=-0/11$ ، $t=-2/06$) می‌تواند به طور معنی‌دار واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.

واریانس مشاهده شده در نمرات رضایت زناشویی توسط اثر تعدیل‌کننده‌ی دلبستگی دوسوگرا تبیین می‌شود.

بحث

نتایج این پژوهش نشان داد که ناگویی هیجانی و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی، رابطه‌ی منفی معنی‌دار و سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی، رابطه‌ی مثبت معنی‌دار دارند. هم‌چنین نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را تعدیل کند. این نتایج که با یافته‌های پژوهش‌های قبلی مطابقت دارند (۴۴-۴۰)، بر حسب احتمالات زیر تبیین می‌شوند:

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد مبتلا به ناگویی هیجانی در شناسایی صحیح هیجان‌ها از چهره‌ی دیگران مشکل دارند (۵۵،۲۱). شناخت صحیح هیجان‌ها از اجزای تفکیک‌ناپذیر روابط بین شخصی محسوب می‌شوند. نارسایی در شناخت صحیح هیجان‌ها، زوجین را با مشکلات متعدد در روابط بین شخصی مواجه می‌سازد و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. برای مثال، مصاحبت و برقراری روابط صمیمی با همسر، مستلزم توانایی شناخت هیجان‌ها و عواطف خود و همسر است. نقص و ناتوانی در شناخت هیجان‌ها و عواطف باعث به وجود آمدن مشکلات بین شخصی در زمینه‌ی روابط صمیمی می‌شود. بر این اساس، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که نارسایی هیجانی از طریق نقص و ناتوانی در شناخت هیجان‌ها و عواطف باعث کاهش رضایت زناشویی شود.

افراد مبتلا به ناگویی هیجانی برای همدردی با حالت‌های هیجانی دیگران ظرفیتی محدود دارند (۵۸-۵۶). محدودیت و ناتوانی فرد برای همدردی و همدلی با دیگران روابط بین شخصی را مخصوصاً در زمینه‌ی روابط صمیمی و زناشویی تحت تأثیر قرار داده و با مشکل مواجه می‌سازد. بر این اساس، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که ناگویی هیجانی از طریق نقص و ناتوانی در همدردی و همدلی، رضایت زناشویی زوجین را کاهش می‌دهد.

نارسایی در تنظیم و مدیریت هیجان‌ها از ویژگی‌های ناگویی هیجانی است (۵۱، ۵۵، ۶۰، ۵۹). این نارسایی که در سطح

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک دلبستگی اجتنابی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و

رضایت زناشویی

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR ²	ΔF	P
۱	۰/۴۱۵	۰/۱۷۳	۰/۱۶۷	۰/۱۷۳	۳۰/۶۷	۰/۰۰۱
۲	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴	۰/۱۷۶	۰/۰۱۲	۴/۲۴۲	۰/۰۴

مدل ۱- متغیرهای پیش‌بین: ناگویی هیجانی و دلبستگی اجتنابی

مدل ۲- متغیرهای پیش‌بین: ناگویی هیجانی، دلبستگی اجتنابی و اثر تعدیل‌کننده‌ی دلبستگی اجتنابی

جدول ۵- ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون نقش

تعدیل‌کننده‌ی سبک دلبستگی اجتنابی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و

رضایت زناشویی

مدل	B	SE	β	t	P
ناگویی هیجانی	-۳/۶۷۹	۰/۶۵۶	-۰/۳۰۴	-۵/۶۰۹	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی	-۲/۳۷۳	۰/۶۶۱	-۰/۱۹۷	-۳/۵۹۱	۰/۰۰۱
اثر تعدیل‌کننده‌ی	-۱/۲۶۹	۰/۶۱۶	-۰/۱۱۱	-۲/۰۶۰	۰/۰۴۰

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی اثر تعدیل‌کننده سبک دلبستگی دوسوگرا در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش

تعدیل‌کننده‌ی سبک دلبستگی دوسوگرا در رابطه‌ی بین ناگویی

هیجانی و رضایت زناشویی

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR ²	ΔF	P
۱	۰/۴۱۱	۰/۱۶۹	۰/۱۶۳	۰/۱۶۹	۲۹/۸۶	۰/۰۰۱
۲	۰/۴۱۶	۰/۱۷۳	۰/۱۶۵	۰/۰۰۴	۱/۵۱۸	۰/۲۲

مدل ۱- متغیرهای پیش‌بین: ناگویی هیجانی و دلبستگی دوسوگرا

مدل ۲- متغیرهای پیش‌بین: ناگویی هیجانی، دلبستگی دوسوگرا و اثر تعدیل‌کننده‌ی دلبستگی دوسوگرا

نتایج تحلیل رگرسیون در مدل ۱ نشان می‌دهد که رابطه‌ی متغیرهای ناگویی هیجانی و دلبستگی دوسوگرا ۰/۴۱ بوده که ۰/۱۶ درصد از واریانس نمرات رضایت زناشویی را به طور معنی‌دار تبیین می‌کند. مدل ۲ میزان رابطه‌ی بین متغیرهای پیش‌بین ناگویی هیجانی و سبک دلبستگی دوسوگرا را پس از ورود اثر تعدیل‌کننده‌ی دلبستگی دوسوگرا نشان می‌دهد. با مقایسه‌ی مدل ۱ و ۲، ملاحظه می‌گردد که دلبستگی دوسوگرا سبب افزایش R² به میزان ۰/۰۰۴ شده که این میزان، معنادار نیست (ΔR²=۰/۰۰۴، ΔF=۱/۵۱ و P=۰/۲۲). مدل ۲ نشان می‌دهد که ۰/۰۴ درصد از

صمیمیت و فاصله گرفتن از دیگری، عاملی مهم در ایجاد نارضایتی در رابطه است، در نتیجه هرچه فرد مبتلا به ناگویی هیجانی ناایمن تر باشد، تمایلش برای نزدیک شدن به دیگری و تجربه‌ی صمیمیت در رابطه کمتر می‌شود و به این طریق دلبستگی اجتنابی می‌تواند اثر منفی ناگویی هیجانی بر رضایت زناشویی را تشدید کند.

افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، از دیگران دوری می‌کنند. این افراد در هنگام پریشانی، حمایت کمتری از دیگران طلب می‌کنند و نسبت به پریشانی دیگران هم کمتر واکنش نشان می‌دهند. به عبارتی، فهمیدن و درک کردن احساسات دیگری برای ایشان اهمیت کمتری دارد. میزان همدلی و همدردی در این افراد پایین است. از طرفی، یکی از وجوه مهم ناگویی هیجانی، دشواری در شناسایی هیجان‌های دیگران و دشواری در همدلی کردن است. همچنین این افراد تمایلی به ارضا کردن خواسته‌های دیگران ندارند. با توجه به این که بررسی‌ها نشان می‌دهند که همدلی یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده‌ی رضایت در رابطه است (۱۵، ۱۷)، ناایمنی دلبستگی با توجه به اثر منفی که بر همدلی می‌گذارد، می‌تواند رضایت از روابط زناشویی را کاهش دهد.

بیان عواطف یکی از عوامل مهم در ایجاد رضایت در رابطه است (۸-۱۱). ابراز متقابل عواطف منجر به فراهم آمدن فضای امن و خودآشکارسازی بیشتر در رابطه می‌شود. افراد با دلبستگی ناایمن (اجتنابی)، در روابط بین شخصی، افرادی سرد هستند و توانایی‌شان در ایجاد صمیمیت محدود است (۸). یکی از عوامل مهمی که موجب ایجاد صمیمیت در رابطه می‌شود خودآشکارسازی یعنی بیان عواطف و افکار برای دیگری است (۱۲). با توجه به این که دشواری در بیان و ابراز هیجان‌ها و درک هیجان‌های دیگران یکی از وجوه ناگویی هیجانی است، ناایمنی دلبستگی می‌تواند با اثر منفی که بر این وجه می‌گذارد، گرایش و توانایی زوجین را در ابراز هیجان‌ها و نیازها برای یکدیگر کاهش دهد و به این طریق رضایت زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

پیامدهای نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در دو سطح نظری و عملی به این شرح مطرح کرد: در سطح نظری، نتایج این پژوهش می‌تواند به شناخت بهتر عوامل ایجادکننده و همبسته‌های

رفتارهای شخصی با کاهش بهزیستی روان‌شناختی و افزایش درماندگی روان‌شناختی، سلامت روانی را تهدید و تضعیف می‌کند (۶۳-۶۱) در سطح تعامل‌های بین شخصی، مهارت‌های ارتباطی و مقابله‌ای را به صورت منفی تحت تاثیر قرار داده و در چهارچوب روابط زوجین، رضایت زوجی را تضعیف می‌کند. نارسایی هیجانی، معادل دشواری در خودتنظیم‌گری هیجانی یا ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها است (۶۰، ۵۹، ۵۱، ۶۴). وقتی اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، فرد از نظر عاطفی و شناختی دچار آشفتگی و درماندگی می‌شود. این ناتوانی، سازمان عواطف و شناخت‌های فرد را مختل ساخته و رابطه‌ی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند رابطه بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را تعدیل کند. سبک‌های دلبستگی بر راهبردهای تنظیم هیجانی فرد موثرند. افراد با دلبستگی ایمن به علت داشتن والدینی پاسخگو و حساس به وضعیت‌های هیجانی در دوران کودکی، یاد گرفته‌اند که چگونه عواطف‌شان را تنظیم کنند و با دیگران ارتباط برقرار نمایند (۶۷-۶۵). با توجه به این که افراد با مهارت‌های تنظیم هیجانی رشد یافته، عملکرد بهتر و سالم‌تری در روابط نزدیک‌شان دارند، می‌توانند رابطه‌ای با رضایت بیشتر را تجربه کنند. از طرفی ناگویی هیجانی اختلالی است که یکی از جنبه‌های اصلی آن نقص و ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها است. رشد هیجان‌ها و مهارت‌های شناختی تنظیم هیجان‌ها در این افراد دچار اختلال شده است (۶۱-۵۹). در نتیجه، با توجه به اثری که دلبستگی بر تنظیم هیجان‌ها دارد، هر چه میزان ناایمنی دلبستگی در افراد با ناگویی هیجانی بیشتر باشد، توانایی این افراد در تنظیم هیجان‌ها کمتر خواهد بود و در نتیجه میزان رضایتی که در رابطه تجربه می‌کنند، کمتر می‌شود. افراد با دلبستگی اجتنابی به علت عدم اعتماد به دیگری در حمایت‌کننده و حفاظت‌کننده بودن، از دیگران فاصله‌ی فیزیکی، عاطفی و شناختی دارند و وابستگی متقابل و تعهد در این افراد کمتر است (۶۸). مبتلایان به ناگویی هیجانی نیز شبکه‌ی روابط اجتماعی‌شان ضعیف است، مشکلات بین شخصی متعددی دارند و تمایلی به نزدیک شدن به دیگران ندارند (۱۹، ۴۴). اجتناب از

علت‌شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه از جمعیت عمومی شاغل تهرانی بوده که به طور داوطلب در پژوهش شرکت کرده‌اند و در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. برای بررسی دقیق‌تر، رابطه‌ی ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه‌ی بررسی نقش تعدیل‌کننده و واسطه‌ای متغیرهای مهم دیگر، مثل راهبردهای مقابله و مکانیسم‌های دفاعی، در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی انجام شود. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود به منظور شناخت بهتر تاثیرات آسیب‌زای ناگویی هیجانی بر روابط بین شخصی و رضایت زناشویی، رابطه‌ی این دو متغیر در نمونه‌های بالینی شامل نمونه‌های مبتلا به اختلالات روان‌شناختی، اختلالات شخصیت و مشکلات خانوادگی و بین شخصی، مورد بررسی قرار گیرد.

نارضایتی زناشویی کمک‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند نتایج پژوهش‌های پیشین و نظریه‌های مربوط به رابطه‌ی ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی و هم‌چنین رابطه‌ی این متغیرها با سبک‌های دلبستگی را تایید کند و پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی مطرح سازد. نمونه‌ای از این پرسش‌ها عبارتند از: چه متغیرهای دیگری می‌توانند نقش تعدیل‌کننده یا واسطه‌ای در رابطه‌ی ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی داشته باشند؟ در سطح پیامدهای عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی در چهارچوب روابط مادر-کودک، برنامه‌های مداخله و مدیریت هیجان‌ها و برنامه‌های درمانی مبتنی بر تقویت و استحکام روابط صمیمی زوجین قرار گیرد.

محدودیت جامعه‌ی آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای

References

- Gelles RJ. Contemporary families: A sociological view. Thousand Oaks: Sage; 1995: 43-72.
- Kaslow F, Robinson JA. Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *Am J Fam Ther* 1996; 24: 153-70.
- Olson DH, Olson AK. Empowering couples: Building on your strengths. Minneapolis: Life Innovations; 2000: 109-33.
- Rogge RD, Bradbury TN. Till violence does us part: The differing roles of communication and aggression in predicting adverse marital outcomes. *J Consult Clin Psychol* 1999; 67: 340-51.
- Noller P, Feeney GA. Communication, relationship concerns, and satisfaction in early marriage. In: Vangelisti AL, Reis HT, Fitzpatrick MA. (editors). *Stability and change in relationships*. Cambridge: Cambridge University; 2002: 129-55.
- Vangelisti AL, Reis HT, Fitzpatrick MA. *Stability and change in relationships*. Cambridge: Cambridge University; 2002: 167-95.
- Stanley SM, Markman HJ, Whitton SW. Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Fam Process* 2002; 41: 659-75.
- Kathryn D, Timmerman L. Accomplishing romantic relationship. In: Greene JO, Burleson BR. (editors). *Handbook of communication and social interaction skills* Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates; 2003: 685-90.
- Marston PJ, Hecht ML, Manke ML, McDaniel S, Reeder H. The subjective experience of intimacy, passion, and commitment in heterosexual loving relationships. *Pers Relat* 1998; 5: 15-30.
- Waldinger RJ, Schulz MS, Hauer ST, Allen JP. Reading others' emotions: The role of intuitive judgments in predicting marital satisfaction, quality, and stability. *J Fam Psychol* 2004; 18: 58-71.
- Yum Y, Canary DJ. Maintaining relationships in Korea and the United States: Features of Korean culture that affect relational maintenance beliefs and behaviors. In: Canary DJ, Dainton M. (editors). *Maintaining relationships through communication: Relational, contextual, and cultural variations* Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates; 2003: 277-96.
- Sanderson CA, Evans SM. Seeing one's partner through intimacy-colored glasses: An examination of the process underlying the intimacy goals-relationship satisfaction link. *Pers Soc Psychol Bull* 2001; 27: 463-73.
- Lippert T, Prager KJ. Daily experiences of intimacy: A study of couples. *Pers Relat* 2001; 8: 283-98.

14. Cordova JV, Gee CB, Warren LZ. Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *J Soc Clin Psychol* 2005; 24: 218-35.
15. Barnes HL, Schumm WR, Jurich AP, Bollman SR. Marital satisfaction: Positive regard versus effective communications as explanatory variables. *J Soc Psychol* 1984; 123: 71-8.
16. Kilpatrick SD, Bissonnette VL, Rusbult CR. Empathic accuracy and accommodative behavior among newly married couples. *Pers Relat* 2002; 9: 369-93.
17. Wilkie JR, Ferree MM, Ratcliff KS. Gender and fairness: Marital satisfaction in two-earner couples. *J Marr Fam* 1998; 60: 577-94.
18. Erikson EH. *Childhood and society*. 2nd ed. New York: Horton; 1963: 221-57.
19. Besharat MA. [Alexithymia and interpersonal problems]. *Studies in education and psychology* 2009; 1: 129-5. (Persian)
20. Suslow T, Junghanns K. Impairments of emotion situation priming in alexithymia. *Pers Individ Dif* 2002; 32: 541-50.
21. Parker JDA, Taylor GJ, Bagby RM. Alexithymia and the recognition of facial expression of emotion. *Pshchother Psychosom* 1993; 59: 197-202.
22. Guttman H, Laporte L. Alexithymia, empathy, and psychological symptoms in a family context. *Compr Psychiatry* 2002; 43: 448-55.
23. Vanheule S, Desmet M, Rosseel Y, Verhaeghe P, Meganck R. Relationship patterns in alexithymia: A study using the core conflictual relationship theme method. *Psychopathology* 2006; 40: 14-21.
24. Vanheule S, Desmet M, Meganck R, Bogaerts S. Alexithymia and interpersonal problems. *J Clin Psychol* 2007; 63: 109-17.
25. Weinryb RM, Gustavsson JP, Hellstrom C, Andersson E, Broberg A, Rylander G. Interpersonal problems and personality characteristics: Psychometric studies of the Swedish version of the IIP. *Pers Individ Dif* 1996; 20: 13-23.
26. De Rick A, Vanheule S. Alexithymia and DSM-IV personality disorder traits in alcoholic inpatients: A study of the relation between both constructs. *Pers Individ Dif* 2007; 43: 119-29.
27. Carton JS, Kessler EA, Pape CL. Nonverbal decoding skills and relationship well-being in adults. *J Nonverbal Behav* 1999; 23: 91-100.
28. Meeks BS, Hendrick SS, Hendrick C. Communication, love and relationship satisfaction. *J Soc Pers Relat* 1998; 15: 755-73.
29. Noller P. Misunderstandings in marital communication: A study of couples' nonverbal communication. *J Pers Soc Psychol* 1980; 39: 1125-34.
30. Wachs K, Cordova JV. Mindful relating: Exploring mindfulness and emotion repertoires in intimate relationships. *J Mar Fam Ther* 2007; 33: 464-81.
31. Schaefer MT, Olson DH. Assessing intimacy: The PAIR inventory. *J Mar Fam Ther* 1981; 7: 47-60.
32. Dindia K. Relational maintenance. In: Hendrick C, Hendrick SS. (editors). *Close relationships: A sourcebook*. Thousand Oaks, CA: Sage; 2000: 287-99.
33. Sprecher S, Metts S, Burleson B, Hatfield E, Thompson A. Domains of expressive interaction in intimate relationships: Associations with satisfaction and commitment. *Fam Relat* 1995; 44: 203-10.
34. Hazan C, Shaver PR. Romantic love conceptualized as an attachment process. *J Pers Soc Psychol* 1987; 52: 511-24.
35. Ainsworth MDS, Blehar MC, Waters E, Wall S. *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum; 1978: 55-97.
36. Brennan KA, Shaver PR. Dimensions of adult attachment, affect regulation, and romantic relationship functioning. *Pers Soc Psychol Bull* 1995; 21: 267-83.
37. Besharat MA. Relation of attachment style with marital conflict. *Psychol Rep* 2003; 92: 1135-40.
38. Fuller TL, Fincham FD. Attachment style in married couples: Relation to current marital functioning, stability over time, and method of assessment. *Pers Relat* 1995; 2: 17-34.
39. Feeney JA. Attachment, caregiving, and marital satisfaction. *Pers Relat* 1996; 3: 401-16.
40. Besharat MA. [Attachment styles and alexithymia]. *Psychological research* 2009; 24: 63-80. (Persian)
41. Troisi A, D'Argenio A, Peracchio F, Petti P. Insecure attachment and alexithymia in young men with mood symptoms. *J Nerv Ment Dis* 2001; 189: 311-16.

42. Fonagy P, Gergely G, Jurist E, Target M. Affect regulation, metallization, and the development of the self. New York: Other Press LLC; 2002: 216-42.
43. Kooiman CG, Vellinga S, Spinhoven PH, Draijer N, Trijsburg RW, Rooijmans HGM. Childhood adversities as risk factors for alexithymia and other aspects of affect dysregulation in adulthood. *Psychother Psychosom* 2004; 73: 107-16.
44. Montebanacci O, Codispoti M, Baldaro B, Rossi N. Adult attachment style and alexithymia. *Pers Individ Diff* 2004; 36: 499-507.
45. Besharat MA. [Adult Attachment Inventory: Development and psychometric evaluation]. Research Report. Tehran: University of Tehran; 2005: 1-66 (Persian)
46. Bagby RM, Parker JDA, Taylor GJ. The twenty-item Toronto alexithymia scale: I item selection and cross-validation of the factor structure. *J Psychosom Res* 1994; 38: 23-32.
47. Parker JDA, Taylor GJ, Bagby RM. The relationship between emotional intelligence and alexithymia. *Pers Individ Dif* 2001; 30: 107-15.
48. Parker JDA, Taylor GJ, Bagby RM. The 20-item Toronto Alexithymia Scale: III reliability and factorial validity in a community population. *J Psychosom Res* 2003; 55: 269-75.
49. Palmer BR, Gignac G, Manocha R, Syough C. A psychometric evaluation of the Mayer-Salovey-Caruso emotional intelligence test version 2.0. *Intelligence* 2004; 33: 285-305.
50. Pandey R, Mandal MK, Taylor GJ, Parker JDA. Cross-cultural alexithymia: Development and validation of a Hindi translation of the 20-item Toronto alexithymia scale. *J Clin Psychol* 1996; 52: 173-6.
51. Taylor GJ, Bagby M. An overview of the alexithymia construct. In: Bar-On R, Parker JDA. (editors). *The handbook of emotional intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass; 2000: 263-76.
52. Besharat MA. Reliability and factorial validity of Farsi version of the Toronto alexithymia scale with a sample of Iranian students. *Psychol Rep* 2007; 101: 209-20.
53. Rust J, Bennun I, Crowe M, Golombok S. The Golombok-Rust inventory of marital state questionnaire. *Sex Mar Ther* 1986; 1: 55-60.
54. Besharat MA. [An investigation of the relationship between attachment styles and marital problems in infertile couples]. *Psychoterapical novelties* 2001; 17-18: 55-66. (Persian)
55. Lane RD, Sechrest L, Riedel RG, Weldon V, Kaszniak AW, Schwartz EG. Impaired verbal and nonverbal emotion recognition in alexithymia. *Psychosom Med* 1996; 58: 203-10.
56. Taylor GJ. *Psychosomatic medicine and contemporary psychoanalysis*. Madison, CT: International University; 1987: 94-117.
57. Krystal H. Alexithymia and psychotherapy. *Am J Psychother* 1979; 33: 17-31.
58. McDougall J. *Theatres of the body: A psychoanalytic approach to psychosomatic illness*. New York: Norton; 1989: 127-46.
59. Bagby RM, Taylor GJ. Affect dysregulation and alexithymia. In: Taylor GJ, Bagby RM, Parker JDA. (editors). *Disorders of affect regulation: Alexithymia in medical and psychiatric illness*. Cambridge: Cambridge University; 1997: 26-45.
60. Taylor GJ. Recent developments in alexithymia theory and research. *Can J Psychiatry* 2000; 45: 134-42.
61. Besharat MA. [Relations between alexithymia, anxiety, depression, psychological distress, and psychological well-being]. *Journal of psychology* 2008; 10: 17-40. (Persian)
62. Saarijarvi S, Salminen JK, Toikka TB. Alexithymia and depression: A 1-year follow-up study in outpatients with major depression. *J Psychosom Res* 2001; 51: 729-33.
63. Culhane SE, Watson PJ. Alexithymia, irrational beliefs, and the rational-emotive explanation of emotional disturbance. *J Ration Emot Cogn Behav Ther* 2003; 21: 57-73.
64. Lane RD, Ahern GL, Schwartz GE, Kaszniak AW. Is alexithymia the emotional equivalent of blindsight? *Biol Psychiatry* 1997; 42: 834-44.
65. Bowlby J. *Attachment and loss*. New York: Basic Books; 1969: 211-53.
66. Bretherton I. Attachment theory: Retrospect and prospect. In: Retherton I, Waters E. (editors). *Growing points of attachment theory and research*. *Monogr Soc Res Child Dev* 1985; 50: 1-2: 3-35.
67. Tennant C. Parental loss in childhood: It's effect in adult life. *Arch Gen Psychiatry* 1988; 45: 1045-50.
68. Bartholomew K, Horowitz LM. Attachment styles among young adults: A test of four-category model. *J Pers Soc Psychol* 1991; 61: 226-44.